

## گفتاری در باب امکان ترجمه ماشینی

جواد قاسمی

بنیاد پژوهشهای اسلامی

ترجمه، انتقال از کالبدی است به کالبد دیگر. دو کالبد است و یک روح. در هر دو کالبد یک حقیقت بیش نیست. وقتی معنا در قالب لفظ منتقل می‌شود گویی که تناسخ روی می‌دهد. اما تا چه حد این انتقال ممکن است و چیره‌دست‌ترین مترجمان تا کجا می‌توانند معنا را به درستی انتقال دهند، جای بحث و تأمل دارد. اگر مترجم در فرآیند ترجمه می‌توانست معنا را انتقال دهد و نه لفظ را، هیچ تردیدی در حفظ امانت باقی نمی‌ماند و خوانندگان زبان مبدأ و مقصد از خواندن متن یک چیز می‌فهمیدند. در ترجمه هدف اصلی انتقال لفظ نیست، انتقال معناست. لفظ وسیله است و معنا هدف.

اخیراً نرم‌افزاری به بازار آمده که طراحان آن مدعی هستند قادر است متون گوناگون — اعم از علوم محض و علوم انسانی — را به فارسی ترجمه کند. می‌دانیم که رایانه دارای حافظه و قابل برنامه‌ریزی است، به طوری که می‌تواند عملیات منطقی و ریاضی انجام دهد و اطلاعاتی را که به آن می‌دهند دریافت، پردازش و عرضه کند. طراح، سازنده و برنامه‌ساز آن هم انسان است و همانطور که انسان از راه ورودی گوش یا چشم مطلبی را می‌گیرد و عمل پردازش را در مغز صورت می‌دهد و سپس از طریق زبان یا حرکت دست و اندامها آن را خارج می‌کند، رایانه هم کاری مشابه انجام می‌دهد با این تفاوت که انسان قادر به اندیشیدن است و اندیشیدن او نهایت ندارد و می‌تواند منشأ ابداع، ابتکار و نوآوری باشد، پیش‌بینی کند و بر حسب شرایط نو احکام جدیدی صادر کند ولی از رایانه چنین کاری ساخته نیست. بلکه فقط می‌تواند داده‌ها را ارزیابی، پردازش و عرضه کند و اگر خطایی از آن سر می‌زند فی‌نفسه از خود رایانه نیست، بلکه منشأ آن انسانی است که برنامه را تنظیم کرده و به آن داده است.

اکنون باید پرسید که آیا نرم‌افزار ترجمه در دستگاه رایانه می‌تواند کار یک روح در دو کالبد را انجام دهد؟ آیا می‌تواند ظرافتها و ویژگیهای خاص زبانی، ساختارهای پیچیده دستوری و نیز بسیاری از ویژگیهای پیش‌بینی نشده زبان را به زبانی دیگر منتقل سازد؟ خلاقیتها و نوآوریهای مترجم برای رایانه چگونه قابل پیش‌بینی است؟ آیا از این نظر می‌تواند نقش مترجم انسانی را ایفا کند؟ البته نمی‌توان به این پرسشها پاسخ صریح داد. زیرا آدمی همواره وقوع بسیاری از پدیده‌ها را محال می‌شمرده و روزی آمده است که با کمال شگفتی آنچه را محال می‌پنداشته محقق یافته است. محال به امری گویند که وجود و تحقق آن مستلزم تناقض باشد. چنانکه می‌گوییم بودن من در این مکان و این زمان و نبودن من در این

مکان و این زمان همراه با یکدیگر محال است و تناقض. یا جمع شدن جهان در کلبه‌ای کوچک به گونه‌ای که هیچ تغییری در حجم آن حاصل نشود امری است محال. معروف است که وقتی به حاج ملاهاد سبزواری، فیلسوف بزرگ اسلامی، گفتند دستگاهی ساخته شده است که از انسان تصویربرداری می‌کند و چهره او را بر روی کاغذ نشان می‌دهد. ایشان بنابر قاعده محال بودن انتقال عرض، که آن را پذیرفته بود و اثبات می‌کرد، گفت محال است و باور نکرد. بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد ترجمه متون ادبی، دینی، فلسفی، روان‌شناختی و به‌طور کلی ترجمه علوم انسانی از طریق رایانه — با شناختی که از آن داریم و با زبان موجود — در حد محال می‌نماید، اما نمی‌توان به صراحت آن را محال دانست.

هر قدر زبانی دایره واژگان و ساختار نحوی گسترده‌تری داشته باشد و بیان مفاهیم در قالب ترکیبات گوناگون و وسیع‌تری ضرورت یابد، کار مترجم ماشینی در انتقال معانی دشوارتر خواهد شد. در زبان انگلیسی برخی واژه‌ها معانی متعددی دارند. در بسیاری موارد از میان بیش از چهل معنایی که برای یک واژه در فرهنگ ذکر می‌شود، ممکن است آخرین معنای آن مورد نظر نویسنده باشد و مترجم در این‌گونه موارد باید آن قدر به زبان مبدأ احاطه داشته باشد که بتواند از میان معنای گوناگون و گاه متضاد با یکدیگر، معنای مورد نظر نویسنده را به دست آورد. این کار از عهده ماشین ترجمه — با شناختی که از آن داریم و با زبان موجود — ممکن نیست. زیرا ماشین ترجمه در برابر هر واژه تنها یک معادل می‌تواند در نظر گیرد و البته در چنین مواردی همان معنای نخست را خواهد گذاشت. از طرف دیگر گاه باید معادل بر حسب ساختار و موقعیت جمله تعیین شود و مترجم قوه ابتکار خود را بکار اندازد و با توجه به پس و پیش جمله، روح عبارت متن اصلی را بازگرداند نه لفظ آن را و انجام این کار هم از ماشین ممکن نیست. چون ماشین با روح و معنا آشنایی ندارد، بلکه فقط در همان محدوده‌ای که برنامه ریز برایش تعیین کرده است می‌تواند ببیند. وانگهی، مترجم ماشینی باید با تکیه بر فرهنگهای دو زبانه واژه‌گزینی کند. فرهنگهای انگلیسی-فارسی موجود به گونه‌ای تهیه نشده‌اند که همه نیازهای مترجم ماشینی را رفع کنند و حتی در رفع مشکلات مترجم دارای شعور انسانی هم کاستیهای بسیار دارند.

در هر حال، از باب آنکه نرم‌افزار ترجمه را آزموده باشیم، در نمایشگاه رایانه سال ۱۳۷۹ مشهد به سراغش رفتیم و نمونه‌هایی از متون معمولی انگلیسی را به آن دادیم که ترجمه کند. عین متن و ترجمه آن را در عبارتهای زیر می‌آوریم:

America has in many ways transformed the Muslims, and in turn stands to undergo profound transformation by their presence.

ترجمه ماشینی: امریکا در خیلی راه دارد تبدیل شده مسلمانان مواضع به نوبت تبدیل عمیق را بوسیله حضورشان تحمل بکنند.

ترجمه درست: امریکا به شیوه‌های گوناگون وضع مسلمانان را تغییر داده و به نوبه خود دستخوش تغییرات عمیق ناشی از حضور آنان نیز قرار گرفته است.

Indeed American Muslims are in a position to restore the spiritual and moral dimensions of modern life while continuing to be faithful to the true spirit of liberalism.

ترجمه ماشینی: مسلمانان قطعاً آمریکایی در موقعیت باز پس گرفتن ابعاد روحی و اخلاقی زندگی مدرن هستند هنگام ادامه دادن مؤمن به روح واقعی آزادی خواهی باشد.

ترجمه درست: مسلمانان امریکا برآستی می‌توانند ابعاد اخلاقی و معنوی زندگی جدید را باز آفرینند و در عین حال همواره به مفهوم آزادی وفادار باقی بمانند.

The postcolonial era represents for most Muslim societies a time of great social turmoil and political upheaval.

ترجمه ماشینی: دوران وابسته به دوره بعد از انقلاب امریکا برای مسلمان‌ترین جوامع را یک زمان آشفته بودن اجتماعی بزرگ نشان می‌دهد و رشد سیاسی.

ترجمه درست: دوران پس از استعمار برای اغلب جوامع مسلمان دورانی است آکنده از آشفتگیهای عظیم اجتماعی و آشوبهای سیاسی.

Yet others moved to the United States to escape civil wars, military occupation or political persecution.

ترجمه ماشینی: دیگران هنوز به ایالات متحده نقل مکان کردند که از جنگهای داخلی فرار می‌کنند، شغل نظامی یا اذیت سیاسی.

ترجمه درست: اما برخی دیگر برای رهایی از جنگهای داخلی، اشغال نظامی یا شکنجه و آزار سیاسی به امریکا نقل مکان کردند.

Besides these two currents of thoughts, Suhrawardi's philosophy of Illumination soon became one of the dominant schools of Islamic philosophy and ...

ترجمه ماشینی: گذشته از این دو جریان افکار، فلسفه اشراق یکی از مدارس مسلط فلسفه اسلامی زود شد و ...

ترجمه درست: علاوه بر این دو جریان فکری، دیری نپایید که فلسفه اشراق سهروردی به صورت یکی از مکاتب غالب فلسفه اسلامی درآمد و ... □